www.ZabanBook.com
زبان بوک

BARRON'S

1100 WORDS You Need to Know

A BEST-SELLER FOR FIVE DECADES!

MURRAY BROMBERG AND MELVIN GORDON

SEVENTH EDITION

www.ZabanBook.com
زبان بوک

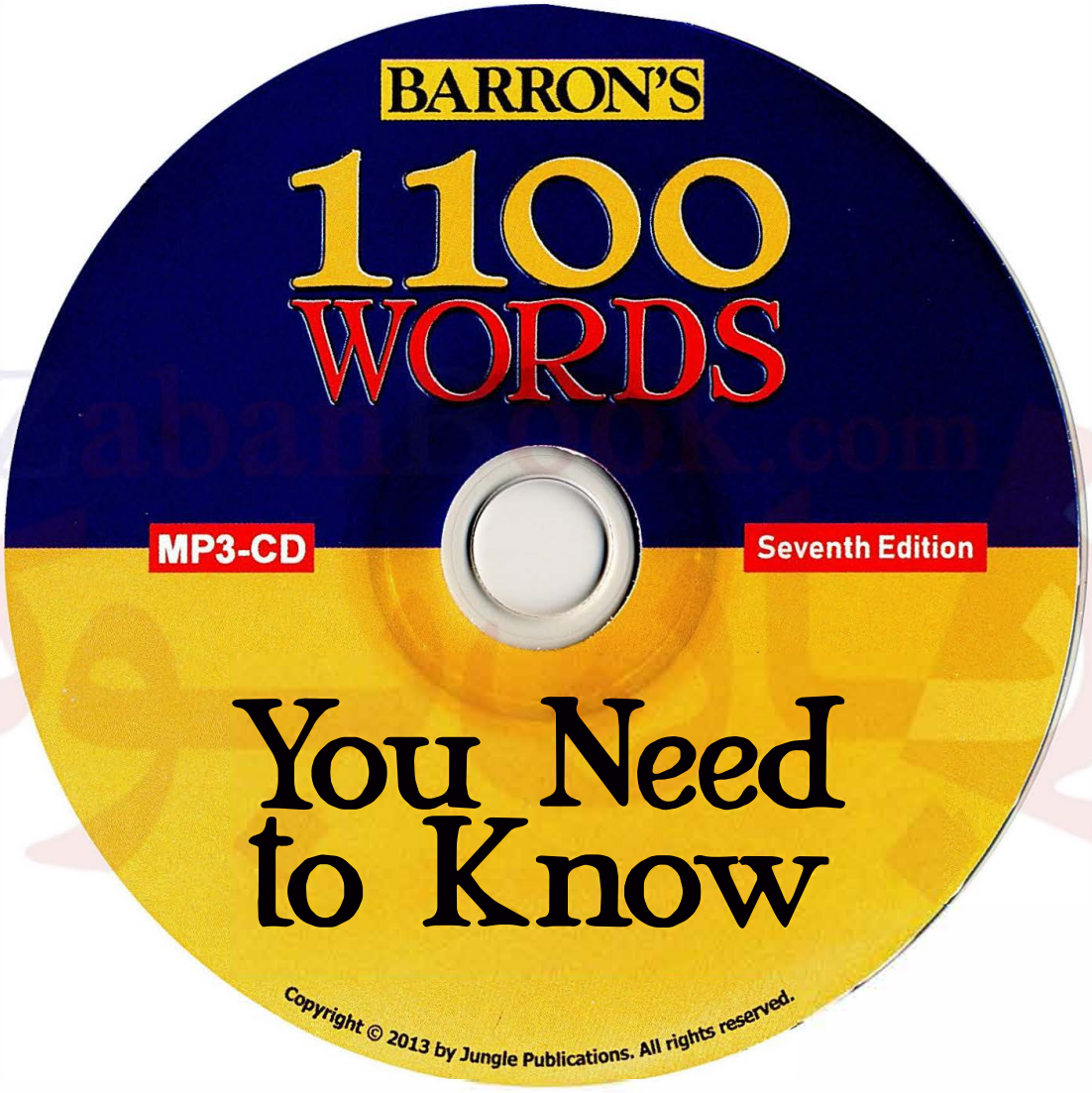

1100

Words

You Need to Know

www.ZabanBook.com
زبان بوک

Seventh Edition

Translated, Transcribed &
Updated by

Reza Daneshvari

Kashan-based Islamic Azad University

&

Siamak Babaee

University of Kashan

Jungle Publications

www.ZabanBook.com
زبان بوک

CONTENTS

Pronunciation Guide vi

WEEKS 1-46 1

Buried words 290

Words in Context 294

Final Review Test 295

Panorama of Words 300

Bonus Weeks 354

VOC / QUOTE 368

Panorama of Words 376

THE LIGHTER TOUCH 100 379

Word List 383

INTRODUCTION

The study of the English language has spread all over the world, and high—school and college students everywhere have come to realize that language mastery depends on the possession of a comprehensive vocabulary. This is just what *1100 Words You Need to Know* has been offering through the five earlier editions and continuing on this sixth one.

We are proud that Amazon.com has rated this book as the number one best seller in its category. In addition to the various exercises that help readers learn challenging vocabulary, we have now added a section called "The Lighter Touch 100," which shows that vocabulary can be taught with a sense of humor. By investing a mere 15 minutes with this new book, you will soon see a dramatic improvement in your vocabulary.

Murray Bromberg

Melvin Gordon

www.ZabanBook.com
زبان بوک

Pronunciation Guide

حروف صدادار

تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی	تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی
/ sɜ:(r) /	sir	ɜ:	اِ (کشیده)	/ bi: /	bee	i:	ای (کشیده)
/ ə'pa:t /	apart	ə	اِ (کوتاه)	/ sɪli /	silly	i	ای (متوسط)
/ beɪ /	bay	eɪ	اِی	/ kɪd /	kid	ɪ	ای (کوتاه)
/ baɪ /	buy	aɪ	آی	/ sed /	said	e	اِ
/ bɔɪ /	boy	ɔɪ	اُی	/ bæd /	bad	æ	آ
/ nəu /	know	əu	اُو	/ ka:t /	cart	a:	آ (کشیده)
/ nau /	now	au	آو	/ kɒt /	cot	ɒ	آ (متوسط)
/ pɪə(r) /	pier	ɪə	ای اِ	/ kʌt/	cut	ʌ	آ (کوتاه)
/ puə(r) /	poor	uə	او اِ	/ fu:d /	food	u:	او (کشیده)
/ peə(r) /	pair	eə	اِع	/ fʊt/	foot	ʊ	او (کوتاه)
				/ sɔ: /	saw	ɔ:	اُ (کشیده)

حروف بی‌صدا

تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی	تلفظ	مثال	نشانه	معادل فارسی
/ nəu /	know	n	ن	/ pu:l /	pool	p	پ
/ laɪn /	line	l	ل	/ bed /	bed	b	ب
/ reɪn /	rain	r	ر	/ ti: /	tea	t	ت
/ jes /	yes	j	ی	/ deɪ /	day	d	د
/ wi: /	we	w	و	/ kæt /	cat	k	ک
/ ʃəu /	show	ʃ	ش	/ gʊd /	good	g	گ
/ vɪʒn /	vision	ʒ	ژ	/ faɪv /	five	f	ف
/ tʃaɪld /	child	tʃ	چ	/ vɔɪs /	voice	v	و
/ dʒæk /	jack	dʒ	ج	/ si: /	see	s	س
/ tu:θ /	tooth	θ	ث	/ zu: /	zoo	z	ز
/ ðeɪ /	they	ð	ذ	/ haɪ /	high	h	ه
/ sɪŋ /	sing	ŋ	نگ	/ mæn /	man	m	م

/ ' / این علامت نشان دهنده تکیه یا فشار اولیه می‌باشد.

/ˌ/ این علامت نشان دهنده تکیه یا فشار ثانویه می‌باشد.

(r) این علامت نشان می‌دهد که حرف r در انگلیسی بریتانیایی قابل حذف است، جزاینکه پس از آن یک حرف صدادار به کار رود.

www.ZabanBook.com
زبان بوک

واژگان جدید

سیری‌ناپذیر	کورکورانه؛ بی‌هدف	برجسته	شیفته؛ غرق	لبریز؛ پر
حریص؛ مشتاق	درهم‌وبرهم	بزرگ	مجذوب	مملو؛ سرشار

مطالعه‌ی عاقلانه

جوانی که حریصانه اما درهم و برهم مطالعه می‌کند، الزاماً نسبت به جوانی که در انتخاب‌هایش برای مطالعه گزیده‌تر عمل می‌کند عقل و خرد بیشتری کسب نمی‌کند. دانشجویی که داستان زندگی تمام ورزشکاران بزرگ قرن بیستم را خوانده است یا کسی که خود را در تمام رمان‌های اعتراض‌آمیز اجتماعی‌ای که به دستش می‌رسد غرق می‌کند، ممکن است هر آنچه را باید در حوزه‌ای محدود بداند بیاموزد. اما کتاب‌ها مملو از چنان شگفتی‌هایی هستند که اغلب دیدن جوان‌های باهوشی که تجارب خود را محدود می‌کنند، دلسردکننده است.

جملات نمونه سعی کنید بر مبنای پاراگراف بالا از واژه‌های جدیدتان در جملات زیر استفاده کنید. گاه ممکن است لازم باشد پایان واژه‌ها را تغییر دهید؛ به عنوان مثال تغییر *indiscriminate* به *indiscriminately*.

۱. مسابقه‌ی فوتبال مملو از هیجان و بازی عالی بود. replete

۲. نویسنده‌ی برجسته، جایزه‌ی نوبل در ادبیات را دریافت کرد. eminent

۳. عموزاده‌ی من آنقدر در تکالیفش غرق است که دوستانش او را خوره‌ی کتاب صدا می‌زنند. steeped

۴. بعد از اسکی، درمی‌یابم که اشتهای سیری‌ناپذیری دارم. voracious

۵. جنگ‌های امروزی اغلب منجر به کشتار کورکورانه‌ی مبارزان و غیرنظامیان بی‌گناه می‌شود. indiscriminate

تعاریف حال که واژه‌های جدید را در جملات دیده و به کار برده‌اید و تعاریف آنها "سرزبان‌تان" است، سعی کنید واژه‌ها را با معانی‌شان تطبیق دهید.

ت	۶. سیری‌ناپذیر	الف. دارای شهرت زیاد؛ برجسته
پ	۷. کورکورانه؛ درهم‌وبرهم	ب. کاملاً پُر یا مملو از
الف	۸. معروف؛ برجسته؛ بزرگ	پ. اتفاقی و بدون انتخاب دقیق برگزیدن
ث	۹. غرق؛ مجذوب؛ شیفته	ت. مقادیر زیادی را می‌طلبد یا مصرف می‌کند
ب	۱۰. لبریز؛ مملو	ث. غرق؛ مجذوب؛ اشباع شده

اصطلاح امروز

به عذرخواهی افتادن؛ به غلط کردن افتادن – اعتراف به اشتباه و عذرخواهی کردن

مدیر مغرور مبارزات انتخاباتی پس از شکست نامزدش در انتخابات مجبور شد به عذرخواهی افتد.

www.ZabanBook.com زبان بوک

www.ZabanBook.com زبان بوک

NEW WORDS

abound	technology	prognosticate	abode	automaton
ə'baʊnd	tek'nɒlədʒi	prɒg'nɒstɪkeɪt	ə'bəʊd	ɔ:'tɒmətn

Solving the Servant Problem

The worlds of science-fiction abound with wonders. Yet modern technology progresses so rapidly that what is today's wild dream may be next year's kitchen appliance. A British scientist has prognosticated that within ten years every suburban abode will have its own robot servant. One task this domesticated automaton will not have to contend with will be scouring the oven because even today the newest ranges can be programmed to reduce their own baked-on grime to easily disposed of ash.

Sample Sentences Now that you've seen the words used in context, and—hopefully— have an idea of their meanings, try to use them in the following sentences. Remember that a word-ending may have to be changed.

1. The mayor refused to _____ as to his margin of victory in the election.
2. The time is approaching when human workers may be replaced by _____.
3. Mel's new two-bedroom _____ overlooks a lake where many birds nest.
4. The western plains used to _____ with bison before those animals were slaughtered by settlers.
5. Man may be freed from backbreaking labor by the products of scientific _____.

Definitions Test yourself now by matching the new words with the definitions. If you are not sure of yourself, cover the top half of this page before you begin.

_____ 6. abound	a. a place where one lives
_____ 7. technology	b. branch of knowledge dealing with engineering, applied science, etc.
_____ 8. prognosticate	c. a robot; a mechanical person
_____ 9. abode	d. exist in great numbers
_____ 10. automaton	e. predict or foretell a future event

TODAY'S IDIOM

a pig in a poke – an item you purchase without having seen; a disappointment
The mail order bicycle that my nephew bought turned out to be *a pig in a poke,* and he is now trying to get his money back.

واژگان جدید

فراوان بودن	تکنولوژی	پیش‌بینی کردن	خانه؛ مسکن	رباط، آدم آهنی
پر بودن	فن‌آوری	پیش‌گویی کردن	اقامتگاه	آدم ماشینی

حل مشکل خدمتکار

در دنیاهای علمی- تخیلی، شگفتی فراوان است. با این وجود فن‌آوری مدرن با چنان سرعتی پیشرفت می‌کند که ممکن است آنچه که امروز رؤیایی غیرمنطقی است، سال بعد یک وسیله‌ی آشپزخانه باشد. دانشمندی بریتانیایی پیش‌بینی کرده است که ظرف ده سال، تمام خانه‌های حومه‌ی شهر، رُبات پیشخدمت خود را خواهند داشت. یکی از کارهایی که این آدم ماشینی خانگی مجبور نیست با آن دست و پنجه نرم کند، پاک کردن اجاق گاز است چون حتی امروز هم می‌توان به جدیدترین انواع اجاق گاز طوری برنامه داد که چرک و سیاهی هنگام پُخت را به خاکستری تبدیل کند که به سادگی از بین می‌رود.

جملات نمونه حال که کاربرد واژه‌ها را در متن دیده‌اید و - انشاءالله - معنی آنها را می‌دانید، سعی کنید در جملات زیر از آنها استفاده کنید. به خاطر داشته باشید ممکن است پایان واژه‌ای نیاز به تغییر داشته باشد.

۱. شهردار از پیش‌بینی پیرامون میزان پیروزی‌اش در انتخابات خودداری کرد. prognosticate
۲. زمانی می‌رسد که ممکن است آدم‌های ماشینی جایگزین کارگران انسانی شوند. automatons
۳. خانه‌ی دوخوابه‌ی جدید «مل» بر دریاچه‌ای مشرف است که پرندگان آشیانه می‌سازند. abode
۴. قبل از اینکه مهاجران به کشتار گاوهای کوهان‌دار بپردازند، این حیوانات در جلگه‌های غرب فراوان بودند. abound
۵. ممکن است انسان به واسطه‌ی نتایج فن‌آوری علمی از کار کمرشکن رهایی یابد. technology

تعاریف اکنون با تطبیق واژگان جدید با تعاریف آنها، خود را محک بزنید. اگر به خودتان مطمئن نیستید قبل از شروع، نیمه‌ی بالای صفحه را فرا گیرید.

ت ۶. فراوان بودن؛ مملو بودن
ب ۷. فن‌آوری
ث ۸. پیش‌بینی کردن
الف ۹. خانه؛ مسکن؛ کاشانه؛ محل سکونت
پ ۱۰. آدم ماشینی؛ آدم آهنی، ربات

الف. جایی که شخص زندگی می‌کند
ب. شاخه‌ای از دانش که با مهندسی، علم کاربردی و غیره سروکار دارد
پ. یک ربات؛ یک آدم ماشینی
ت. وجود داشتن به تعداد زیاد
ث. رویدادی را در آینده پیش‌بینی یا پیشگویی کردن

اصطلاح امروز

خرید چشم‌بسته؛ جنس ندیده - چیزی که بدون دیدن آن را می‌خرید؛ مایه‌ی ناامیدی

دوچرخه‌ای که پسر برادرم با پُست سفارشی خرید، خریدی چشم‌بسته
از آب در آمد و او حالا سعی می‌کند پولش را پس بگیرد.

www.ZabanBook.com زبان بوک

REVIEW 24th Week ❖ 5th Day

And today it's time to strengthen your word knowledge again. You've noticed, of course, that the matching definitions are not always the definitions you may have been familiar with. This is the way language works. It is impossible to provide a one-word synonym or simple definition for a word that you will always be able to substitute for it. Therefore, in our weekly review we hope not only to check your learning, but also to teach you closely related meanings.

Match the best possible definition with the word you studied. Write the letter that stands for that definition in the appropriate answer space.

REVIEW WORDS	DEFINITIONS
____ 1. abhorrent	a. a hand-made object
____ 2. absurd	b. unwise
____ 3. anthropologist	c. irrational belief
____ 4. artifact	d. completely protected
____ 5. bizarre	e. magical object
____ 6. contemptuous	f. widespread
____ 7. entreaty	g. begin; arise
____ 8. fetish	h. person who studies mankind's customs
____ 9. imperative	i. custom forbidding a particular practice
____ 10. imprudent	j. long-standing practice
____ 11. inanimate	k. weird
____ 12. inviolable	l. able to be hurt
____ 13. originate	m. looking down on someone or something
____ 14. prohibition	n. utterly hated
____ 15. superstition	o. without life
____ 16. taboo	p. banning of certain actions
____ 17. taint	q. necessary
____ 18. tradition	r. ridiculous
____ 19. universal	s. plea; appeal
____ 20. vulnerable	t. contaminate

IDIOMS

____ 21. get down off one's high horse	u. the greatest
____ 22. cream of the crop	v. a highly valued asset
____ 23. dyed-in-the-wool	w. act like an ordinary person
____ 24. blue chip	x. set in one's ways

Check your answers. Record your errors and their correct meanings. These words must be studied independently if you want to master them. Use them in original sentences. Also, study the several different definitions a good dictionary provides for each of these problem words.

WORDS FOR FURTHER STUDY	MEANINGS
1. _____	_____
2. _____	_____
3. _____	_____
4. _____	_____
5. _____	_____

www.ZabanBook.com زبان بوک

مرور هفته‌ی بیست و چهارم ❖ روز پنجم

دوباره امروز زمان تقویت دانش واژگانی شماست. البته متوجه شده‌اید که تعاریف یکسان همیشه آن تعاریفی نیستند که ممکن است با آنها آشنایی داشته باشید. این طرز کار زبان است. نوشتن یک مترادف تک‌کلمه‌ای یا تعریف ساده برای یک واژه که همیشه بتوانید جایگزین آن کنید غیرممکن است. بنابراین در مرور هفتگی امیدواریم که نه تنها یادگیری شما را کنترل کنیم بلکه به شما معانی کاملاً مربوط را بیاموزیم.

بهترین تعریف ممکن را با واژه‌ای که مطالعه کردید تطبیق دهید. حرفی را که نشان‌دهنده‌ی تعریف است در جای خالی بنویسید.

مرور واژگان

ژ ۱. نفرت‌انگیز
ض ۲. مسخره؛ احمقانه
ح ۳. انسان‌شناس
الف ۴. مصنوع؛ دست‌ساز
ذ ۵. عجیب و غریب؛ نامأنوس
ز ۶. اهانت‌آمیز؛ تحقیرآمیز
ط ۷. خواهش؛ التماس
ث ۸. طلسم؛ بت
ص ۹. ضروری؛ لازم؛ اجباری
ب ۱۰. نابخردانه؛ بی‌تدبیر
س ۱۱. بی‌جان؛ مرده
ت ۱۲. مصون؛ مقدس
چ ۱۳. سرچشمه گرفتن؛ شروع شدن
ش ۱۴. منع؛ تحریم
پ ۱۵. خرافه؛ اعتقادخرافی
خ ۱۶. حرام؛ نهی‌شده
ظ ۱۷. لکه‌دار کردن؛ آلوده کردن
د ۱۸. رسم؛ سنت
ج ۱۹. عمومی؛ جهانی
ر ۲۰. آسیب‌پذیر؛ ضعیف

تعاریف

الف. یک شی دست‌ساز
ب. غیرعاقلانه
پ. اعتقاد غیر منطقی
ت. کاملاً محافظت‌شده
ث. شی جادویی
ج. گسترده
چ. نشأت گرفتن؛ پدید آمدن
ح. شخصی که رسوم بشر را مطالعه می‌کند
خ. رسمی که عمل خاصی را منع می‌کند
د. رسم دیرینه
ذ. عجیب
ر. می‌تواند آسیب ببیند
ز. به دیده حقارت به کسی یا چیزی می‌نگرد
ژ. کاملاً منفور
س. بی‌جان
ش. منع برخی از اعمال
ص. لازم
ض. مسخره
ط. درخواست؛ التماس
ظ. آلودگی؛ آلوده کردن

اصطلاحات

ف ۲۱. از خر شیطان پایین آمدن
ع ۲۲. درجه یک؛ سرآمد؛ گل سرسبد
ق ۲۳. سفت و سخت؛ انعطاف‌ناپذیر
غ ۲۴. مطمئن؛ معتبر؛ پرارزش؛ پرسود

ع. بهترین
غ. دارایی بسیار باارزش
ف. مثل شخصی معمولی عمل کردن
ق. در مرام خود قاطع است

اکنون پاسخ‌های خود را بررسی کنید. اشتباهات‌تان و معانی صحیح آنها را ثبت کنید. اگر شما می‌خواهید بر آنها تسلط یابید این لغات بایستی بطور مستقل مطالعه شوند. آنها را در جملات اصلی بکار ببرید و چند تعریف متفاوت را که یک فرهنگ لغت خوب برای هر یک از این واژگان دشوار ارائه می‌دهد بررسی کنید.

	واژگانی برای مطالعه بیشتر	معانی
۱.		
۲.		
۳.		
۴.		
۵.		

www.ZabanBook.com
زبان بوک

ADJECTIVE LEADERS AND NOUN FOLLOWERS
(From Weeks 21–24)

a. fulsome
b. covert
c. bona fide
d. lush
e. bizarre
f. susceptible
g. inviolable
h. taboo
i. catastrophic
j. inanimate
k. imprudent
l. maladjusted
m. connubial
n. heterogeneous
o. inordinate

Directions Write the letter corresponding to the vocabulary word (above) in the space provided opposite the noun (below) that it is most likely to precede.

____ 1. bliss
____ 2. diamond
____ 3. praise
____ 4. amount
____ 5. incident
____ 6. purchase
____ 7. meeting
____ 8. object
____ 9. earthquake
____ 10. law

www.ZabanBook.com زبان بوک

راهنماهای صفت و دنبال‌کنندگان اسم (از هفته‌های ۲۱ تا ۲۴)

الف. فراوان؛ اغراق‌آمیز

ب. مخفیانه

پ. واقعی؛ حقیقی

ت. شاهانه؛ تجملی

ث. عجیب و غریب

ج. ضربه‌پذیر

چ. مصون؛ مقدس؛ تخطی‌ناپذیر

ح. حرام؛ نهی‌شده

خ. مصیبت‌بار؛ فاجعه‌آمیز

د. بی‌جان؛ بی‌روح

ذ. بی‌احتیاط؛ بی‌تدبیر

ر. ناسازگار

ز. مربوط به زناشویی؛ زن‌وشوهری

ژ. ناهمگن؛ جورواجور

س. بی‌اندازه؛ بیش از حد

راهنمایی: در جاهای خالی کنار (زیر) اسم، حرف مربوط به واژه‌ای را بنویسید که احتمال می‌رود پیش از آن به کار رود.

ز ۱. خوشی؛ سعادت

پ ۲. الماس

الف ۳. تحسین؛ ستایش

ژ ۴. مقدار

ث ۵. رویداد

ذ ۶. خریدن

ب ۷. ملاقات؛ جلسه؛ نشست

د ۸. شیء

خ ۹. زلزله؛ زمین‌لرزه

چ ۱۰. قانون

www.ZabanBook.com زبان بوک

NEW WORDS

forebodings	emanate	miscreant	protocol	circuitous
fɔ:'bəʊdɪŋ	'emɪneɪt	'mɪskrɪənt	'prəʊtəkɒl	sə'kju:ɪtəs

WHAT WENT WRONG?

Investigators found that a series of mistakes led to the sinking of the *Titanic*. A wireless message had come in from a French liner, warning of ice ahead, but that was a thousand miles away, and so, no need to worry. On April 13, the vessel *Rapphannock* also warned the Titanic of dangerous ice ahead. On the following day, there came a spate of other warnings from a Cunard ship, a Dutch liner, and the White Star *Baltic*–all telling of icebergs about 250 miles from the *Titanic*'s current position. Next came the German *Amerika*, echoing the same forebodings, followed by the *California* cautioning the *Titanic* about the field ice. Finally, the *Mesaba* called attention to an enormous belt of ice stretching directly across the *Titanic*'s path. All the messages emanating from sister ships should have had a profound effect on Smith and company. No one miscreant could be fingered, but a host of crew members were certainly blameworthy. Why didn't Captain Smith's officers react to those messages? Notations were indeed made on slips of paper but largely ignored and forgotten. There was no standard protocol for the handling of such messages, if there had been, Captain Smith would certainly have taken a circuitous route so as to avoid the dangerous icebergs.

Sample Sentences Insert the new words in the following sentences.

1. Cindy took a _____ route home to avoid the class bullies.
2. Caesar's wife had _____ about danger facing her husband.
3. The rulings _____ from the local court were cheered by the conservatives.
4. The class _____ was made to remain after school.
5. Failing to follow _____ got Sophia into trouble at the office.

Definitions Match the new words with their meanings.

_____ 6. forebodings	a. one who behaves badly
_____ 7. emanating	b. official procedure
_____ 8. miscreant	c. premonitions; fearful apprehension
_____ 9. protocol	d. roundabout
_____ 10. circuitous	e. coming from

TODAY'S IDIOM

throw someone a curve – do the unexpected
When I least expected it, Helen *threw me a curve.*

www.ZabanBook.com زبان بوک

واژگان جدید

نگرانی	آمدن	خلافکار	پروتکل؛ آیین‌نامه	غیرمستقیم
دلشوره؛ هشدار	صادر شدن	متخلف	توافق‌نامه	کج

ایراد از چه بود؟

پژوهشگران دریافتند که مجموعه‌ای از اشتباهات به غرق شدن تایتانیک منجر شد. یک پیام بی‌سیمی از یک کشتی مسافربری فرانسوی آمده بود که هشدار می‌داد در جلوی آنها یخ است، اما هزاران مایل دورتر بود و ازاین‌رو جای هیچ نگرانی نبود. در ۱۳ آوریل، کشتی «راپهانوک» نیز به تایتانیک درباره‌ی یخی پیش روی آن هشدار داد. روز بعد، موجی از هشدارهایی دیگر از کشتی «کونارد»، یک کشتی مسافربری هلندی، و «بالتیک» متعلق به کمپانی «وایت استار» رسید که همه از کوه‌یخ‌هایی در حدود ۲۵۰ مایلی جایگاه فعلی تایتانیک خبر می‌دادند. سپس کشتی آلمانی «آمریکا» همان اخطارها را تکرار کرد و پس از آن کشتی «کالیفرنیا» به تایتانیک درباره‌ی توده‌ی یخ هشدار داد. سرانجام کشتی «مسابا» از کمربند عظیمی از یخ که مستقیماً در مسیر تایتانیک امتداد داشت خبر داد. تمام پیام‌های صادرشده از کشتی‌های خواهر، می‌بایست تأثیری عمیق بر «اسمیت» و همراهانش می‌داشت. انگشت اتهام را را روی هیچ خلافکاری نمی‌توان نشانه رفت، اما مطمئناً تعداد زیادی از کارکنان کشتی سزاوار سرزنش بودند. چرا افسران کاپیتان «اسمیت» به آن پیام‌ها واکنشی نشان ندادند؟ در واقع علائم و یادداشت‌هایی روی برگه‌های کاغذ نوشته شده بودند اما عمدتاً به آن‌ها توجهی نشد یا فراموش شدند. برای استفاده از چنین پیام‌هایی هیچ آیین‌نامه‌ی استانداردی وجود نداشت؛ اگر چنین بود، مطمئناً کاپیتان «اسمیت»، مسیری غیرمستقیم را انتخاب می‌کرد تا از کوه‌های یخ خطرناک اجتناب کند.

جملات نمونه واژگان جدید را در جملات زیر قرار دهید.

۱. «سیندی» برای اجتناب از گردن‌کلفت‌های کلاس از مسیر غیرمستقیم رفت. circuitous
۲. همسر سزار درباره‌ی خطری که شوهرش با آن روبرو بود، دلشوره داشت. forebodings
۳. احکام صادرشده توسط دادگاه محلی مورد تأیید محافظه‌کاران قرار گرفت. emanating
۴. خلاف‌کار کلاس مجبور شد بعد از مدرسه آنجا بماند. miscreant
۵. کوتاهی در پیروی از تفاهم‌نامه، «سوفیا» را در اداره به دردسر انداخت. protocol

تعاریف واژگان جدید را با معانی آنها تطبیق دهید.

پ	۶. دلشوره؛ هشدار	الف. کسی که بد رفتار می‌کند
ث	۷. آمدن؛ صادر شدن	ب. روال اداری
الف	۸. خلاف‌کار؛ متخلف	پ. اخطار؛ نگرانی ترسناک
ب	۹. توافق‌نامه؛ پروتکل؛ آیین‌نامه	ت. انحرافی
ت	۱۰. غیرمستقیم؛ کج	ث. آمدن از

اصطلاح امروز

غافلگیر کردن – کاری غیرمنتظره انجام دادن
«هلن» وقتی که اصلاً انتظارش را نداشتم، کار غیرمنتظره‌ای کرد.

www.ZabanBook.com زبان بوک

SENSIBLE SENTENCES? (From Week A)

❖ Underline the word that makes sense in each of the sentences below.

1. When the (*ramifications; knell*) of his action were explained; Roger apologized.
2. There is no known antidote for the (*specious; toxic*) poison.
3. Following (*forebodings; protocol*); Ben bowed before the emperor.
4. The young (*patriarch; miscreant*) was brought before the judge.
5. Seeking his prey; the lion took a (*circuitous; dilatory*) route on the trail of the deer.
6. Victor's weak explanation elicited a (*risible; rapacious*) reaction from his teacher.
7. The (*insurgent; neophyte*) forces launched a successful attack.
8. We thought the (*knell; denouement*) of the play was ridiculous.
9. Harmful fumes were (*emanating; extenuating*) from the laboratory.
10. Critics rated the (*impregnable; macabre*) play to be the season's best.

www.ZabanBook.com
زبان بوک

جملات معقول؟ (از هفته‌ی الف)

❖ در هریک از جملات زیر، زیر واژه‌ای خط بکشید که معنی می‌دهند.

۱. وقتی (عواقب؛ صدای زنگ) عملش توضیح داده شد، «راجر» معذرت‌خواهی کرد. ramifications

۲. پادزهر شناخته‌شده‌ای برای سم (غلط‌انداز؛ زهرآگین) وجود ندارد. toxic

۳. «بن» با پیروی از (اخطار؛ توافق‌نامه) مقابل امپراطور تعظیم کرد. protocol

۴. جوان (ارشد؛ خلافکار) به محضر قاضی آورده شد. miscreant

۵. شیر در جستجوی طعمه‌اش، مسیر (پرپیچ‌وخم؛ تأخیری) را دنبال ردپای گوزن در پیش گرفت. circuitous

۶. توضیح ضعیف «ویکتور»، باعث واکنشی (خنده‌دار؛ حریص) از طرف معلمش شد. risible

۷. نیروهای (شورشی؛ مبتدی) حمله‌ای موفق را آغاز کردند. insurgent

۸. از نظر ما (صدای زنگ؛ نتیجه) نمایش مضحک بود. denouement

۹. بخارهای مضر از آزمایشگاه (می‌آمدند؛ قابل‌عفو). emanating

۱۰. منتقدین، بازی (غیرقابل‌تسخیر؛ مهیب) را به عنوان بهترین بازی فصل درجه‌بندی کردند. macabre

www.ZabanBook.com زبان بوک

WORDSEARCH A

❖ Using the clues listed below; fill in each blank in the following story with one of the new words you learned this week.

An unusual Perk

A study 1. _____ from the Department of Health and Mental Hygiene declared that one in eight adults in our major cities has diabetes, a 2. _____ disease. Many, however, are not aware that they have it or how 3. _____ it can be, although there is a 4. _____ of evidence revealing that one's choice of getting diabetes is linked to hereditary factors.

Unfortunately, many of the victims of diabetes do not take immediate steps to deal the with disease. New York City's health commissioner has warned of the 5. _____ of a failure to control the high blood sugar: blindness, amputations, and heart disease. In fact, diabetes is the nation's fastest growing major disease.

Clues		
	① 2nd Day	_____ ?
	② 1st Day	_____ ?
	③ 5th Day	_____ ?
	④ 4th Day	_____ ?
	⑤ 3rd Day	_____ ?

www.ZabanBook.com زبان بوک

جستجوی واژه‌ی الف

❖ با استفاده از سرنخ‌های زیر، هر یک از جاهای خالی داستان زیر را با یکی از واژگان جدیدی که این هفته آموختید پر کنید.

یک مزیت عجیب

مطالعه‌ای بدست‌آمده از اداره‌ی سلامت و بهداشت روانی نشان داد که در شهرهای مهم ما از هر هشت بزرگسال یک نفر بیماری دیابت دارد که بیماری خطرناکی است. اما، خیلی‌ها نمی‌دانند که مبتلا به آن بیماری هستند یا اینکه چقدر این بیماری می‌تواند درنده‌خو باشد، گرچه شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهند احتمال ابتلای شخص به دیابت به عوامل ارثی مربوط است.

متأسفانه، بسیاری از قربانیان دیابت سریعا برای مقابله با بیماری اقدام نمی‌کنند. عضو کمیسیون سلامت شهر نیویورک نسبت به عواقب شکست در مهار قند خون بالا هشدار داده است. نابینایی، قطع عضو و بیماری قلبی. در واقع، رشد بیماری دیابت از تمام بیماری‌های عمده‌ی کشور سریع‌تر است.

سرنخ‌ها	
۱. روز دوم	emanating
۲. روز اول	toxic
۳. روز پنجم	rapacious
۴. روز چهارم	glut
۵. روز سوم	ramifications

www.ZabanBook.com زبان بوک

www.ZabanBook.com
زبان بوک

VOC/QUOTE

Select the best word from the five choices to fit in the blanks below.
از بین پنج گزینه‌ی زیر بهترین واژه را برای پر کردن جاهای خالی انتخاب کنید.

1. There are no political _____ except in the imagination of political quacks. —Francis Parkman
a. compounds b. panaceas c. milieus d. ethics e. diatribes
به جز در تصور شارلاتان‌های سیاسی هیچ نوشداروی سیاسی وجود ندارد.
الف. ترکیب ✓ب. نوشدارو پ. محیط ت. اخلاق ث. انتقاد شدید

2. The effect of my _____ is that always busy with the preliminaries and antecedents; I am never able to begin the produce. —Henri Amiel
a. genre b. expedient c. iniquity d. bias e. prognostication
تأثیر پیش‌بینی من این است که همیشه گرفتار مقدمات و سوابق هستم و هیچ وقت نمی‌توانم شروع به تولید نمایم.
الف. ژانر، نوع ب. مناسب پ. بی‌عدالتی ت. تعصب ✓ث. پیش‌بینی

3. Once philosophers have written their principal works; they not infrequently simply become their own _____. —Theodore Haecker
a. accomplices b. disciples c. cynics d. arbiters e. badgers
وقتی فلاسفه آثار مهم و اصلی خود را نوشتند، اغلب به سادگی هواخواه خود می‌شوند.
الف. همدست ✓ب. هواخواه، مرید پ. بدگمان ت. قاضی، داور ث. کلافه کردن

4. I hate the aesthetic game of the eye and the mind; played by those _____ who appreciate beauty. —Pablo Picasso
a. connoisseurs b. charlatans c. rustics d. stentoriane. paragons
من از بازی زیبایی‌شناختی چشم و ذهن که توسط خبرگانی بازی می‌شود که زیبایی را تحسین می‌کنند متنفرم.
✓الف. خبرگان ب. حقه بازان پ. روستائیان ت. بلند، رسا ث. الگوها

5. Anglo-Saxon _____ takes such very good care that its prophecies of woe to the erring person shall find fulfillment. —George Gissing
a. foreboding b. morality c. protocol d. polemic e. guile
از اصول اخلاقی انگلوساکسون چنان خوب مراقبت می‌شود که پیش‌بینی‌های آن درباره مصیبت افراد گناهکار باید انجام شود.
الف. اخطار ✓ب. (اصول) اخلاق پ. پروتکل ت. مجادله، بحث ث. نیرنگ، فریب

6. The universe is not friendly to _____ and they all perish sooner or later. —Don Marquis
a. icons b. patriarchs c. despots d. insurgents e. perennials
جهان با حاکمان ستمگر رفیق نیست و دیریا زود همه‌ی آنها هلاک می‌شوند.
الف. شمایل، تمثال ب. ارشد، پیر ✓پ. حاکم ستمگر ت. یاغی ث. دائم، همیشگی

7. _____ means influence. —Jack London
a. Affluence b. Cupidity c. Complicity d. Decorum e. Proximity
ثروت‌یعنی نفوذ.
✓الف. ثروت ب. حرص پ. همدستی ت. ادب، نزاکت ث. نزدیکی

THE LIGHTER TOUCH 100

The following jokes contain some of the words you have been taught in this book. Even the humorists know how to make use of a challenging vocabulary.

1. Henry joined Alcoholics Anonymous. He still *imbibes*, but under an assumed name.
2. A *hapless* man was run over by a steamroller. He's in the hospital, in Rooms 36-42.
3. My father's accountant treats people with *compassion*. His office has a recovery room.
4. Samson must have been quite a *thespian*, because he brought down the house.
5. *Inanimate* owls don't give a hoot.
6. You're probably an *octogenarian* if dialing long distance wears you out.
7. You have a right to be *wary* on a cheap airline if the oxygen mask has a meter on it.
8. The *magnanimous* husband bought his wife a clothes dryer—50 feet of clothesline.
9. He's so proud of his *longevity*, he has an autographed Bible.
10. Victor has a *voracious* appetite: his favorite food is seconds.
11. With a *pugnacious* wife, it's always better to give than to receive.
12. Henry Ford had millions, and yet he never had a *yen* for a Cadillac.
13. A woman in Tibet looked at her stove and *quipped*, "Oh, my baking yaks."
14. The rabbit's *progeny* consisted of ten bunnies. It beat the record by a hare.
15. My *astute* fish swims backwards. It keeps the water out of his eyes.
16. He made a *bogus* claim about the surgery to remove an ingrown cell phone.
17. The *intrepid* paratrooper spent three years climbing down trees he never climbed up.
18. Van Gogh had a *voluminous* output. As of today, Americans own 423 of his 72 paintings.
19. The *frugal* man complained about the cost of raising a baby. The nurse said, "Sure, but look how long they last."
20. The *maladjusted* baby just started to eat solids—his crib, blanket, pillows.
21. My old neighborhood *bristled* with trouble: even the candy store had a bouncer
22. Uncle Eddie is not *bereft* of curly locks. He's just taller than his hair.
23. Today's financial *phenomenon*—a dollar saved is a quarter earned.
24. "What is the name of your bank?" I asked the *timorous* investor. "Piggy," he replied.
25. I don't like my *garrulous* barber, because he talks behind my back.
26. The *prudent* girl found the key to looking beautiful—she hangs out with real ugly people.
27. The pigeons in our neighborhood are quite *prescient*, because they always know when my Dad has polished our car.
28. "Do boats sink often?" I asked the *laconic* sailor. "Only once," he replied.

www.ZabanBook.com زبان بوک

راهنمای معانی واژگان دشوار و پربسامد

دروس و تمرینات

aegis نظارت، حمایت، پشتیبانی
affair کار، عمل، رابطه (نامشروع)
affairs امور
affectedly به طور ساختگی
affection محبت
afflict مبتلا کردن، متأثر کردن
afflicted with مبتلا به
affluence ناز و نعمت، ثروت
affluent ثروتمند
afford از عهده چیزی برآمدن
after all به هرحال
aftermath پیامد
afterwards پس از آن، بعداً
against برعلیه
ageless ابدی، همیشگی
agency سازمان، نمایندگی
agent مأمور، عامل
aggressive جسور، پرخاشگرانه
agitated آشفته
agitation آشوب، اغتشاش
agitator اخلالگر، آشوبگر
agonizing دردناک، دردآور
agree توافق داشتن
ahead پیش رو
aid کمک کردن، کمک، دستیار
ailment بیماری
aircraft ناو هواپیمابر
airing نمایش
aisle راهرو
alacrity چابکی، سرعت
alarm هشدار (دادن)
alcoholic مشروب الکلی
alert آگاه کردن، هوشیار
alertly هوشیارانه
alertness آگاهی، هوشیاری
algebra جبر
alibi دستاویز، بهانه، عذر
alien موجود غیرزمینی، بیگانه
alimony نفقه
alive زنده
allay آرام کردن، کم کردن

adjourn ملحق شدن
administer انجام دادن
administration مدیریت
admirable شگفت‌انگیز
admiral دریادار
admire تحسین کردن
admit پذیرفتن، اقرار کردن
admittance ورود
admonish سرزنش کردن
admonish نصیحت کردن
admonish هشدار دادن
ado جار و جنجال
adolescence نوجوانی
adopt انتخاب کردن، اتخاذ کردن
adopt درپیش گرفتن
adorn تزئین کردن
adroit چیره‌دست، ماهر، زیرک
adroitly به زیرکی، با زرنگی
adroitness زیرکی، مهارت
adulation ستایش چاپلوسانه
advance work مقدمات
advance پیش‌پرداخت، از پیش
advance پیشرفت (کردن)
advanced پیشرفته
advancement پیشرفت
advantage منفعت، مزیت
advent ورود، ظهور، پیدایش
adventure ماجراجویانه
adventurer ماجراجو
adversary دشمن، حریف
adverse زیانبار، سوء
advertise تبلیغ کردن
تبلیغات، آگهی
advertiser آگهی دهنده
advertiser تبلیغات چی
advertising تبلیغات، تبلیغ
advice نصیحت، توصیه
advisable به صلاح مقتضی
advise نصیحت کردن
advisor مشاور
advocate حمایت کردن، طرفدار

according to برطبق
accost به سراغ کسی رفتن
accost سر صحبت را باز کردن
accost مواجه شدن با
accost مورد خطاب قرار دادن
account شرح حال، توصیف
accountant حسابدار
accumulate گردآوری کردن
accumulation جمع‌آوری
accuracy درستی، دقت
accurate درست
accusation اتهام، تهمت
accuse of متهم کردن به
ace تک خال
achieve دست یافتن به
achievement دستاورد
aching درد
acknowledge تصدیق کردن
acme نهایت، اوج
acquaintances آشنایان
acquainted آشنا
acquire بدست آوردن
acrimonious تند، گزنده، تلخ
acrimony خشونت، تندی
across در سراسر
act کار رفتار (عمل) کردن
action اقدام، عمل، عملیات
activity عمل، فعالیت
actual واقعی
actually درحقیقت، در واقع
acute شدید، دقیق
acutely شدیداً، دقیقاً
ad آگهی
adamant انعطاف‌ناپذیر
adaptability سازگاری
add اضافه کردن
addict معتاد
additional اضافی
address آدرس، نطق
address مورد توجه قرار دادن
adherent طرفدار

a handful of مشتی، عده‌ای
a myriad of بی‌شمار، هزاران
a variety of متعدد
abandoned متروک
ability توانایی
abjure انکار کردن
abjure ترک کردن
abnormality نابهنجاری
aboard روی عرشه
aboard داخل، سوار بر
abolish منسوخ کردن
A-bomb بمب اتم
abortive بی نتیجه، نافرجام
abreast مطلع، آگاه
abrogate لغو کردن
absence غیبت، فقدان، نبود
absolute کامل، مطلق
absolve تبرئه کردن
absorb جذب کردن
absorbed مجذوب
abstemious پرهیزکار، خوددار
abstemious مُرتاض
abstract انتزاعی
absurd احمقانه، مسخره
absurdity پوچی، بیهودگی
abundant فراوان
abuse فحاشی کردن، سوءاستفاده
abused مورد سوء استفاده
abusive فحاشانه، هتاکانه
accelerate افزایش یافتن
accept پذیرفتن
acceptance پذیرش
access دستیابی، دسترسی
accident تصادف
acclaim تحسین
accommodate برآوردن
accompanied by به همراه
accompany به دنبال... آمدن
accompany همراهی کردن
accomplice شریک جرم
accomplish به دست آوردن

www.ZabanBook.com
زبان بوک

ویرایش هفتم

۱۱۰۰ واژه که باید دانست

- ترجمه کامل و دقیق جملات، متون و تمرینات
- تلفظ‌های صحیح بر مبنای فرهنگ آکسفورد
- ارائه لوح فشرده واژگان
- راهنمای معانی واژگان دشوار
- ارائه پاسخ‌نامه در متن ترجمه

www.ZabanBook.com
زبان بوک

ترجمه:

رضا دانشوری
عضو هیأت علمی دانشگاه
آزاد اسلامی واحد کاشان

سیامک بابایی
عضو هیأت علمی
دانشگاه کاشان

JUNGLE PUBLICATIONS
BARRON'S

BARRON'S STUDYGREEN!
Fully recyclable

ISBN: 978-600-316-943-2
9 786003 169432